شماره صفحه: ۱	باسمه تعالی	تعدادصفحات: ۱
نام درس: املا	اداره کل آموزش و پرورش استان البرز	مدت امتحان : دقیقه
پایه: هفتم	مدیریت آموزش و پرورش شهرستان/ناحیه	تاریخ امتحان: / /۱۴۰۲
نام و نام خانوادگی:	چهارکرج	شماره داوطلب:
شماره کلاس:	دبیرستان شهید میر حبیبی	شماره صندلی:
نام دبیر : آقای رسولی	امتحانات نوبت دوم ۱۴۰۲-۱۴۰۱	

متخصّصان و دانشمندان جهانی مجبور شده‌اند اعتراف کنند که جوانان ما با پشتوانهٔ ایمان و همّت و غیرت، توانسته‌اند استعداد پنهان و جوشان خود را آشکار کنند.

تا می‌توانیم بیاموزیم این همه کتاب خوب و مطالب آموختنی ما را به سوی خود می‌خوانند.

آدم‌های بد هم اگر خوب بشوند، حق دارند یک خانهٔ کوچک در قلب من داشته باشند.

فرصت‌ها مثل گذشتن ابرها می‌گذرند، فرصت‌های خوب و عزیز را دریابید.

او شیفتهٔ طبیعت بود و از اینکه کسانی با خشونت سعی می‌کردند طبیعت زیبا و آرام را بر هم بزنند، رنج می‌برد.

سروده‌های پروین آنقدر شگفت‌انگیز بودند که بزرگترین شاعران روزگار، او را تحسین و تشویق می‌کردند.

استاد حسابی، خود، حافظ قرآن بود و فرزندانش را از کودکی به یادگیری و انجام واجبات دینی تشویق می‌کرد.

من خودم را موظّف می‌دانم که برای خیر و صلاح شما تلاش کنم، شما هم خودتان را موظّف بدانید که به توصیه‌های من عمل کنید.

باد سرد پاییزی همچنان در کوچه می‌وزید امّا مصطفی دیگر سردش نبود. او خوشحال بود و همین احساس او را گرم می‌کرد.

روزی که به دنیا آمد هیچ‌کس فکر نمی‌کرد سال‌ها بعد مسیر تاریخ ایران و اسلام را عوض خواهد کردو میلیون‌ها انسان آزادی‌خواه و مظلومِ جهان، نامش را فریاد خواهند کشید.

آدم آهنی آنقدر از ملاقات با شاپرک خوشحال بود که اصلا متوجه باز شدن درهای نمایشگاه و انبوه تماشاگرانی که به داخل آمده بودند، نشد.

هر وقت شاگردی می‌گفت، نمی‌توانم، معلّم به اعلامیّه اشاره می‌کرد و شاگرد به یاد می‌آورد که «نمی‌توانم» مرده است و او را به خاک سپرده‌اند.